

**Predigt am 10. Sonntag nach Trinitatis (Israelsonntag), 16.8.2020,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

Römer 11,25-32:

رومیان باب ۱۱ آیات ۲۵ الی ۳۲

۲۵ زیرا ای برادران نمی‌خواهم شما از این سرّ بی‌خبر باشید که مبادا خود را دانا انگارید که مادامی که پری اَمّت‌ها درنیاید، سخت‌دلی بر بعضی از اسرائیل طاری گشته است.

۲۶ و همچنین همگی اسرائیل نجات خواهند یافت، چنانکه مکتوب است که از صهیون نجات دهنده‌ای ظاهر خواهد شد و بی‌دینی را از یعقوب خواهد برداشت؛

۲۷ و این است عهد من با ایشان در زمانی که گناهانشان را بردارم.

۲۸ نظر به انجیل بجهت شما دشمناناند، لکن نظر به اختیار به‌خاطر اجداد محبوبند.

۲۹ زیرا که در نعمتها و دعوت خدا بازگشتن نیست.

۳۰ زیرا همچنان که شما در سابق مطیع خدا نبودید و الآن به‌سبب نافرمانی ایشان رحمت یافتید،

۳۱ همچنین ایشان نیز الآن نافرمان شدند تا بجهت رحمتی که بر شماست بر ایشان نیز رحم شود.

۳۲ زیرا خدا همه را در نافرمانی بسته است تا بر همه رحم فرماید.

*مارتین بوبر، شاعر و فیلسوف یهود، سؤالی مطرح می‌کند که: "ما یهودیان و شما مسیحیان چه وجه اشتراکی داریم؟" و او خود اینگونه پاسخ می‌دهد: "یک کتاب و یک انتظار." انتظار شما برای بازگشت است، انتظار ما برای آمدن پیش بینی نشده و غیر منتظره. می‌توانیم همگی با یکدیگر انتظار بکشیم؛ و لحظاتی وجود دارد که ما می‌توانیم راه را برای او هموار کنیم. ما از در گذشته به دلیل سرپیچی با سرنوشت از یکدیگر جدا شدیم. یهودی برای مسیحی مبهم و غیر قابل درک است، که نمی‌خواهد بداند در گذشته چه اتفاقی افتاده است. یهودیان در جسارت برای مسیحیان غیر قابل درکند چرا که با بی‌احتیاطی رستگاری در گذشته خود را به مخاطره انداختند. این شکافی است که توسط هیچ نیروی انسانی نمی‌توان بر آن سرپوش گذاشت. اما مانع نمی‌شود که ما به یک وحدتی که از جانب خدا ناشی می‌شود نگاه نکنیم."

اعضای عزیز، قرن‌ها تنها چیزی که مورد تأکید قرار گرفت اختلاف بین یهودیان و مسیحیان بود. بوبر بدون انکار آنچه آنها را از هم جدا می‌کند، شباهت‌ها و اشتراکات اساسی را در اینجا بیان می‌کند. در حقیقت، مسیحیت بیش از هر دین دیگری با یهودیت مشترک است: اعتراف به یک خدا، 10 فرمان، و عده‌ها و واقع‌کل عهد عتیق. به همین دلیل منطقی است که از یک سنت رایج یهودو-مسیحی سخن بگوییم.

مارتین بوبر جملات نقل شده را در سال ۱۹۳۳ منتشر کرد. وقتی نازی‌ها شروع به آزار و اذیت یهودیان کردند، گفتگوی وی با متکلمان مسیحی در آلمان ناگهان کوتاه شد. آنچه به نام کشور آلمان علیه یهودیان در ۱۲ سال بعد رخ داد، از *قوانین نورنبرگ* گرفته تا "Reichspogromnacht" تا *آشویتس*، چنان وحشتناک است که یک آلمانی که فکر می‌کند آنچه که درباره روابط یهودیان و مسیحیان شنیده است، احتمالاً مغرضانه است. هرگز این دوران از یادها فراموش نمی‌شود بویژه یهودیان را به یکی شکنجه دیده‌ترین شهدای تاریخ تبدیل کرده است.

در مراسم عبادی این یکشنبه، در مورد روابط بین کلیسا و اسرائیل تأمل خواهیم کرد. پولس رسول در فصل ۱۱: ۹ رومیان به این موضوع پرداخته است. آیا او قسمت اول نامه را به بخش‌های مختلف تقسیم می‌کند. او با اعتراف پیروزمندانه نتیجه گرفت که "هیچ کس و هیچ کس نمی‌تواند ما را از عشق به خدا، که در مسیح عیسی است" جدا کند، او اکنون این سؤال را دنبال می‌کند که چرا قوم برگزیده خدا اسرائیل مسیح خدا را تکذیب کرد. در برابر این سؤال، او می‌پرسد: "آیا خدا قوم خود را رها کرده است؟" پاسخ او: نه، "حاشا! بلکه از لغزش ایشان نجات به اَمّت‌ها رسید تا در ایشان غیرت پدید آورد. با این وجود، خدا گاهی اوقات راه‌هایی را در پیش روی بشر قرار می‌دهد که ما از درک آن عاجزیم. پولس در مورد "رمز و راز" صحبت می‌کند، و ارزش دارد که در مورد این رمز و راز تحقیق کند. زیرا در این صورت ما نیز برای ایمان خود قدرت خواهیم گرفت، قدرتی که از ایمان خدا ناشی می‌شود. من می‌خواهم این رمز و راز از راه‌های خدا را در سه مرحله آشکار کنم: (۱) ابتدا آخرین شوید، (۲) در میان دشمنان عزیزان باقیمانده را پیدا کنید (۳). بی‌ایمانان را مورد محبت و مهر قرار دهید.

پولس عمیقاً نگران است که "خویشاوندان" او از ایمان به عیسی امتناع ورزند و بنابراین خود را از نجات دور کنند. او حتی حاضر بود که جای خودش را در بهشت به آنها واگذار کند. چرا؟ زیرا رسول تضمین نمی کند که ما نجات خواهیم یافت. مأموریت این نیست که یک شرکت تبلیغاتی مسیحی داشته باشیم که کلیسا باید آن را حفظ کرده و توسعه دهد. در عوض، این در مورد نجات است - قابل مقایسه با کاری که گروههای امداد سازمان های امدادی در دریای مدیترانه انجام می دهند: افراد قبل از مرگ از آب خارج می شوند. این تصویری برای رسالت است. اگر این چیزی غیر از نجات مردم بود، باید کل شرکت را کنار بگذاریم. اما در مورد نجات است! زیرا خدایی که به او اعتقاد داریم گناه را آسان نمی گیرد. فقط کسانی که پدر بزرگ پیر و بی آزار را با ریش بلند سفید می بینند، ممکن است فکر کنند که "خدای عزیز" همانند ما آنقدر کوچک نیست. اگر او بخواهد اجازه نمی دهد کسی شکست بخورد. اما این واقعیت است که او ما را از اقیانوس گناه بیرون کشیده است، چیزی غیر از واقعیت نیست، این یک معجزه رحمت خدا است. هر کس که این معجزه را یک مسئله ساده تصور کند، مسلماً یک حقیقت نهایی را آشکار می کند که پولس در اینجا بیان می کند: پدر ما مسیح مصلوب، واقعاً می خواهد به همه رحم کند. ما باید شگفت زده شویم و - من این را خیلی آگاهانه می گویم - قبل از این معجزه عبادت کنید. اگر احتمال گم شدن، شما را آزار نمی دهد، به اصطلاح "اطمینان از نجات" شما فقط می تواند یک فکر باطل و خیال خام باشد.

اسرائیل در حال شناور شدن در دریای آزاد، در یک قایق که نشستی هم دارد، بدون سوخت، غذا و آب است. می توان بی قراری پولس را در آنجا فهمید. در صورت نجات از قایق غرق شدن، قوم او حتمی است! برای او روشن است که هیچ قایق نجات دیگری برای آنها به غیر از مسیح وجود ندارد. این همان چیزی است که کلیساهای اصلی پروتستان در این کشور طی چند دهه گذشته به عنوان نماینده انجام داده اند. اما گذشته از مسیح عیسی هیچ نجاتی برای رسول وجود ندارد!

کل داستان خیلی امیدوارانه شروع شده بود! پس از سالها انتظار، ابراهیم پیر، سرانجام صاحب فرزند پسری گردید، فرزندی که از او قوم عظیمی به وجود خواهد آمد که به اندازه تمامی ستارگان آسمان مقایسه شده است. از این قوم ناجی جهان سرانجام باید بیاید، کسی که از او "جمعیت خانواده های زمین برکت می یابند". چقدر ایمان و صبر، چه قدر محرومیت و مبارزه، چه فراز و نشیب هایی در مورد احکام شریعت، در امتحان و شکست، در پذیرش و عصیان، در اعتراف و رنج، در انتظار نجات از یک قرن به قرن دیگری! و اکنون که زمان آن فرا رسیده است، قوم خدا انتظارات را رد می کنند! از دیدگاه انسانی، واضح است که چگونه باید پیش رفت: اسرائیل باید "کسی را که می آید" را بشناسد، بپذیرد و به او بپیوندد. اگر این اتفاق افتاده بود، پس نجات باید جهان همانند یک امپراطوری گسترش می یافت. بنابراین از طریق مسیح تمام جهان باید دوباره با خدا شود: ابتدا اسرائیل، سپس سایر قومها.

اما اتفاق دیگری رخ داد. این محاسبات انسانی به معنای واقعی کلمه "مطرد شد": اکثریت مردم عیسی را به عنوان ناجی رد کردند. اولین ها با توجه به انجیل، آخر شدند و آخرین ها "یعنی ما" اول شدیم - ما! - اول شدیم. از آنجا که میهمانان در ابتدا این دعوت برنامه ریزی شده را رد کردند، ناگهان همه ما می توانیم دور میز عروسی بنشینیم. این یک فکر عجیب است: امتناع اسرائیل راه را برای مأموریت در بین سایر ملت ها هموار می کند. پادشاهی خدا قابل توقف نیست. اگر برخی امتناع کنند، با دیگران ادامه می یابد. اگر رودخانه مانعی برای جاری شدن داشته باشد، به دنبال بستر دیگری است. طبق این قانون، داستان گسترش انجیل بین معاد و بازگشت مسیح است. کسانی که برای اولین بار انتخاب شده اند آخرین نفر می شوند. در همین حال، طبق برنامه و راهنمایی خداوند، "تعداد بسیاری از غیر یهودیان" اضافه می شوند. "تعداد قابل توجهی از غیر یهودیان"، این تعداد همه یهودی و غیر یهودی نیستند، بلکه این تعداد کامل و متنوعی است که خدا تعیین کرده است و از کسانی که ایمان به بت پرستی داشته اند، برای اعتقاد به مسیح و در نتیجه نجات، توسط خدا تعیین شده است. وقتی این تعداد کامل شود، فقط خدا می داند. که می خواهد جمع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند و با این حال، با توجه به هر چیز دیگری که می توانیم از کتاب مقدس جمع کنیم، فقط کسانی که خود را به مسیح واگذار می کنند، این نجات را تجربه خواهند کرد. بنابراین قبل از هر چیز برای ما این است که با نجات و ترس و لرز به نجات خودمان نگران شویم و بشارت دهیم که انجیل را با عشق و مسئولیت نسبت به دیگران، به همه جهان بشناسانیم. فراموش نکنیم: هدف این مأموریت تنها زمانی حاصل می شود که مردم اجازه دهند بار فاسد شده شان از آنها جدا گردد و به کشتی ناو نجات "کلیسا" تغییر یابد. خدا بر همه چیز ما آگاه است.

او همچنین نمی خواهد اجازه دهد که قوم او اسرائیل هلاک شود. او تاکنون، حدود ۲۰۰۰ سال، آن را تاکنون حفظ کرده است، و بنابراین سرانجام "تمام اسرائیل نجات خواهد یافت". اگر آخرین نفری باشند که از دریا صید می شوند

قطعا در آنجا خواهند بود. این جوهر رمز و راز است که پولس در اینجا فاش می کند. علیرغم همه این طرد شدگی ، خداوند کار خود را به پایان خوش می رساند. مأموریت یهودیان تحت این قول نهفته است. اسرائیل به درستی منتظر مسیح بود. اما مسیح دقیقاً همان کسی است که همه شرارت ها را از یعقوب دور می کند، که "گناهان او را می گیرد". در پایان ، عیسی مسیح با اسرائیل بازی خواهد کرد! راه های شگفت انگیز خدا: در هنگام سخت ترین ها در توبه باز می گردد. در ظاهر ، راههای خدا دور از دسترس هستند. اما او اجازه نمی دهد که کسی از هدف خود منصرف شود و می داند چگونه در هر صورت به آن برسد ، حتی در جایی که ما چیزی را خراب کنیم، وی گفت: "نظر به انجیل بجهت شما دشمناناند، لکن نظر به اختیار به خاطر اجداد محبوبند. زیرا که در نعمتها ودعوت خدا بازگشتن نیست. زیرا همچنان که شما در سابق مطیع خدا نبودید و الآن بهسبب نافرمانی ایشان رحمت یافتید: اینکه چگونه کسی نسبت به انجیل احساس می کند ، موقعیتی را که در آن در برابر خدا پیدا می کند ، تعیین می کند. هیچ کس نمی تواند به هیچ وجه با خدا کنار بیاید. زیرا که بسیاری رفتار می نمایند که ذکر ایشان را بارها برای شما کرده ام و حال نیز با گریه می کنم که دشمنان صلیب مسیح می باشند، متأسفانه نیز دشمن خدا هستند ، به اندازه يك یهودی می تواند مایل به پذیرش این امر باشد. این فقط به این دلیل نیست که عشق ورزیدن به پدرتان و متنفر کردن فرزندان پوچ است. آنها به این دلیل هستند که گناه صرفاً دشمنی با خداست. هرگونه آرزوی استاد بودن ، نفی عشق خداست. کسانی که در چنین دشمنی پابرجا هستند ، دشمنی از جانب خدا را نیز تحمل می کنند. - همانطور که می بینید ، پولس هیچ تردیدی در مورد جدی بودن اوضاع قائل نیست. با این حال ، این به هیچ وجه شکل جدیدی از فریسی بودن نیست. این فقط یک عشق بد برای به قول معروف سرپوش گذاشتن بر روی ماجرا است. پولس به اسرائیل به گونه ای نگاه نمی کند که گویی کسی در راه رسیدن به همان هدف قرار دارد ، فقط به روشی متفاوت. متأسفانه در ناامیدی وضعیت فعلی اسرائیل شکی نیست.

و با این حال یهودیان منتخب محبوب هستند. کسانی که از خدا متنفر هستند - خداپرست هستند. چرا؟ زیرا وعده ها ، هدایا و تماس های خداوندی که خداوند به به پدران آنان داده است، غیرقابل برگشت است. آیا خدا نمی تواند به آن کمک کند؟ آنها به خوبی می توانستند متفاوت باشند! اما خداوند ، راه دیگری نمی خواهد ، وفاداری . این همچنین می تواند برای ما تسلی بخش بزرگی باشد: خداوند تا زمانی که ایمان نداشته باشیم ، عقب نشینی نمی کند. در کریسمس همیشه آن را می خوانیم : "هنگامی که من هنوز متولد نشده بودم/ تو برای من به این دنیا آمدی / و قبل از اینکه تو را بشناسم ، من توسط تو انتخاب شده بودم / "قبل از اینکه من به دست تو آفریده شوم تو وجود داشتی " / قبل از اینکه ایمان بیاوریم ، خدا برای ما آنجا بود و بدون ایمان ما هم هنوز در آنجا می ماند. او در کنار شوهر ، فرزندان ، خانواده و همسایگان شما نیز می ماند. همه آنها به نام او تعمیم یافتند. او همچنین به آنها وعده میراث پادشاهی بهشت داد. و خداوند قول خود را حفظ می کند: محبت حلیم و مهربان است؛ محبت حسد نمی برد؛ محبت کبر و غرور ندارد؛ اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی شود؛ خشم نمی گیرد و سوءظن ندارد؛ از ناراستی خوشوقت نمی گردد، ولی با راستی شادی می کند؛ در همه چیز صبر می کند و همه را باور می نماید؛ در همه حال امیدوار می باشد و هر چیز را متحمل می باشد.. "آیا بی دینی آنها باید وفاداری خدا را باطل کند؟" بنابراین پولس در حالی که در روم بود. 3 سوال مطرح شد. در اینجا فقط می توانید بگویید: نه! و این فقط در مورد اسرائیل صدق نمی کند. درست است که پولس در اینجا به برادران و خواهران یهودی خود با ایمان امیدوار است. اما در خداوند او فقط آنچه همه ما را ننگه می دارد اعمال می کند: که خداوند در رحمت خود پایدار و پایدار است ، اگرچه ایمان ما ناکام است. داستان خدا با ما را نمی توان به لحظه هایی که در آن مشتاق هستیم ، محدود کرد. زیرا هنگامی که ما هنوز ضعیف بودیم، در زمان معین، مسیح برای بی دینان وفات یافت. آرامشی که او بین خدا و قوم خود با مرگ خود بر روی صلیب برقرار کرد! حتی اگر ما آن را نپذیریم صدق می کند ، اما به گونه ای صدق می کند که بتوانیم آن را بپذیریم.

آن را خیلی شخصاً بپذیرید: غسل تعمیم شما باقی می ماند ، حتی اگر هنوز آن را درک نکرده اید یا دوباره آن را رد کرده اید. شما بدن و خون پروردگار را دریافت می کنید حتی وقتی با بی ایمانی به سر سفره او بیایید. این ایمان شما نیست که باعث می شود تعمیم یا قداست روی شما کار کند. این تنها عمل خداست. این تنها چیزی است که شما در این میدان دارید. خدا به کلام خود صادق است. دشمنان همچنان محبوب هستند ، زیرا او وفادار است ، وفاداری پدر ، که منتظر بازگشت پسر گمشده به خانه است ، "که قلب او را همیشه می شکنید ، ما می آییم یا نمی آییم" "درست همانطور که قوم خدا یک بار خدا را نافرمانی کردند ، اما اکنون به دلیل نافرمانی آنها ، شما رحمت دریافت کرده اید ، به همین دلیل هم اکنون آنها به دلیل رحمتی که به شما دست داده است نافرمان شدند ، به گونه ای که آنها هم اکنون رحمت کنند. و واقع خواهد شد هر که نام خداوند را بخواند نجات یابد زیرا در کوه صهیون و در اورشلیم،

چنانکه خداوند گفته است، بقیتی خواهد بود و در میان باقی ماندگان آنانی که خداوند ایشان را خوانده است. کافران مورد علاقه قرار می گیرند. در نهایت همه ما در یک موقعیت قرار داریم ، گناهکاران یهودی و غیر یهودی. دشمنی و فاصلهای که میان ما و خداوند است بر طرف می شود. چگونه؟ آیا باید کسی بگوید: ایمان بر ایمان غلبه می کند؟ کلام رسول متفاوت است: "همانطور که شما خدای خودتان را انکار کرده اید ، اما اکنون رحمت او را به دست آورده اید." بی ایمانی نه با ایمان بلکه بر اثر رحمت خدا بر طرف می شود. پولس می گوید ، بنابراین ، عاقبت اسرائیل بی ایمان در موعد مقرر نیز چنین خواهد بود.

باز هم با رازو ابهام روبرو می شویم. باید از کسانی پنهان بماند که خود را دانا می دانند. زیرا دانش این راز از سرچشمه خرد و عقل شخصی حاصل نمی شود. حتی اگر پزشک فردی را به خوبی بشناسد - اندازه گیری بدن ، سن او ، موقعیت اجتماعی وی ، وضعیت سلامتی وی - تمامی اینها را افرادی که این شخص را دوست دارند می توانند بیشتر از این متخصص تحصیل کرده درباره او بگویند. از آنجا که آنچه در اینجا بازی می شود را نمی توان با گروه های ذهن تحلیلی درک کرد. آنچه ممکن است از افراد دیگر پنهان باشد - عاشق و دلدادهور در مورد این چیزها آگاهی خواهد داشت.

رازی که پولس در اینجا فاش می کند ، ثمره تفکر کلامی نیست. او بینش خود را از این واقعیت دارد که پولس قلب خدا را می شناسد. هرکسی که مانند پولس است ، خدا را به عنوان کسی که برای جستجوی قوم خود ، زندگی اش را در معرض خطر قرار داده است آشنا کرد تا آنها در دریای گناه خود غرق نشوند ، کسی که خدا را به عنوان پدر عیسی مسیح آشنا کرده است ، او چیزهایی از آرامش مقدس عشق خدا ، از رنج خدا برای ما می داند فراموشی ، از رحمت جانسوز اوست . خدایی که اینقدر هزینه کرد ، اجازه نمی دهد کارها را به همان روشی که انسانها می خواهند انجام شود .

همه ما در رحمت خدا زندگی می کنیم. این همچنین بدان معنی است که در پایان بی معنی است که آیا ما به عنوان یک گناهکار یهودی توصیف شویم یا به عنوان گناهکارانی از دیگر امتهای ، به عنوان کلیسای مومن و یا به عنوان مسیحیان مرده . نحوه ورود ما به پادشاهی خدا متفاوت است. اما هیچ کس تقدیمی بر دیگری ندارد . مانند گناه ، رحمت خدا در نهایت همه ما را برابر می کند. هیچ کس برای پادشاهی او راه دیگری نخواهد یافت. خدا را شکر و ستایش می کنیم که سرانجام می خواهد "همه اسرائیل را نجات دهد" - و اینکه ما می توانیم متعلق به او باشیم. آمین

*مارتین بوبر (به عبری: מרטין בובר) (زاده ۸ فوریه ۱۸۷۸ - درگذشته ۱۳ ژوئن ۱۹۶۵) فیلسوف و استاد دانشگاه یهودی تبار اتریشی بود. در ۸ فوریه ۱۸۷۸ (میلادی) در وین و در خانواده‌ای یهودی متولد شد. وی به همراه آلبرت انیشتین، زیگموند فروید و حاییم وایزمن از مؤسسان و اعضای اولین هیئت علمی دانشگاه عبری اورشلیم بود.

*اردوگاه آشویتس (به آلمانی: Auschwitz) بزرگترین و مجهزترین اردوگاه کار اجباری آلمان نازی بود که در طول اشغال لهستان توسط نازی‌ها ساخته و تجهیز شده بود. سالروز آزادی این اردوگاه توسط سربازان اتحاد جماهیر شوروی سابق به عنوان روز بین‌المللی یادبود هولوکاست برگزیده شده‌است.

*قوانین نورنبرگ (به آلمانی: Nürnberger Gesetze) قوانینی نژادپرستانه بودند که در سال ۱۹۳۵ در صف‌آرایی سالیانه نورنبرگ در رایش بزرگ آلمان اعلام شد. طبق این قوانین موسوم به «قانون حفاظت از نژاد و افتخار آلمانی»، ازدواج میان آلمانی‌ها با یهودیان و کمی بعد سیاهپوست‌ها، کولی‌های اروپا و افرادی که شهروند آلمان نبودند ممنوع شد.